

الگوی راهبردی دیپلماسی علم و فناوری بر اساس گفتمان ولایت فقیه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری

محمد مهدی نژادنوری^۱؛ محمدرضا خراشادی‌زاده^۲؛ سعید بابایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

چکیده

دیپلماسی علم و فناوری در عصر کنونی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تأمین منافع ملی در عرصه روابط بین‌الملل مطرح است. بر همین اساس، این عرصه همواره مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است. با عنایت به موارد فوق، پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی راهبردی دیپلماسی علم و فناوری بر اساس گفتمان ولایت فقیه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری، به روش آمیخته انجام شده است و سه بُعد (اهداف، دکرین و سیاست‌ها) به‌عنوان ارکان جهت‌ساز با روش تحلیل محتوا احصاء گردیده‌اند. جامعه آماری این پژوهش، صاحب‌نظران حوزه مدیریت راهبردی، اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه دیپلماسی علم و فناوری می‌باشند. ابزار گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای کلیه آراء و مدارک مرتبط با اندیشه‌ها، آراء، نظرات، رهنمودها و تدابیر ولایت فقیه در زمینه دیپلماسی علم و فناوری همراه با بررسی سیاست‌های کلی علم و فناوری و سند چشم‌انداز بیست‌ساله انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش در احصاء ارکان جهت‌ساز برای رکن اهداف به ۷ مولفه و ۲۳ زیرمؤلفه، رکن سیاست‌ها ۴ مولفه و ۱۲ زیرمؤلفه و رکن دکرین نیز ۴ مولفه و ۲۵ زیرمؤلفه احصاء شده است.

واژگان کلیدی: گفتمان ولایت فقیه، دیپلماسی علم و فناوری، دکرین، اهداف، سیاست‌ها.

۱- دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۲- دانشیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۳- دانشجوی دکتری دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی و نویسنده مسئول

مقدمه

دیپلماسی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی در دست کشورها، همواره به‌دنبال این هدف است که با کمترین هزینه بیشترین منفعت را در نظام بین‌الملل کسب نماید. همراه با تحولات سریع در عرصه بین‌الملل، دیپلماسی نیز به‌عنوان ابزار سیاست خارجی شاهد ظهور و بروز و شکل‌گیری اشکال جدیدی از مفاهیم دیپلماسی عمومی نوین با توجه به شرایط زمانی و مکانی در مناسبات بین‌المللی شده است. تغییر جهت از قدرت سخت‌افزارانه به قدرت نرم‌افزارانه رویکردی است که در عصر وابستگی‌های متقابل جهانی مورد توجه بازیگران عرصه نظام بین‌الملل قرار گرفته است. بر همین اساس توجه به دیپلماسی عمومی نوین و مشخصاً دیپلماسی علم و فناوری رویکردی است که کشورها از طریق آن به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند؛ همچنین با توجه به قدرت‌آفرینی علم، دستاوردهای علمی و فناوری همواره مورد توجه سیاست‌مداران در کشورهای مختلف قرار گرفته است؛ از آنجا که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به پیشرفت‌های چشمگیر علمی و فناوری دست‌یافته است و از سوی دیگر لازمه پیشرفت‌های اقتصادی، نظامی و دستیابی به منزلت و اعتبار بین‌المللی در عرصه جهانی، قرار گرفتن در مسیر کسب تکنولوژی‌های برتر می‌باشد. بر این اساس، ابزار دیپلماسی علم و فناوری این قابلیت و ظرفیت را دارد که در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی، منافع ملی، ارتقاء و بهبود سطح کیفیت زندگی در جامعه کمک نماید. با توجه به اهمیت دیپلماسی علم و فناوری برای جمهوری اسلامی ایران، فقدان ارکان جهت‌ساز مدون حوزه دیپلماسی علم و فناوری بر اساس اندیشه‌ها، آراء، نظرات، رهنمودها و تدابیر حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری مسئله پژوهش حاضر می‌باشد. از سوی دیگر، تدوین منویات حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه دیپلماسی علم و فناوری با رویکرد علمی اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. همچنین در حال حاضر به دلیل اینکه مفاهیم دیپلماسی علم و فناوری در عرصه روابط بین‌الملل نو و بدیع می‌باشد، بر همین اساس نیز دیپلماسی علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران در حال شکل‌گیری، ساختارسازی و تولید گفتمان است تا نحوه رفتار، تعاملات بازیگران کلان کشور در این حوزه تنظیم گردد. در حال حاضر نیز به دلیل عدم انسجام، نبود ساختار مناسب، هدف‌گذاری نامناسب و نهایتاً افزایش هزینه‌های ارتباط‌گیری و بهره‌وری از ارتباطات علمی بین‌المللی و ناتوانی در انتقال تجربیات به نسل بعدی و علاقمندان به انقلاب اسلامی، ضرورت انجام این پژوهش را دو چندان می‌کند. بر

این اساس، ارائه الگوی راهبردی بر اساس ارکان جهت‌ساز برای حوزه دیپلماسی علم و فناوری کشور می‌تواند مسیر، اولویت‌ها و رویکردها را برای مسئولان مربوطه مشخص نماید تا به‌صورت هدفمند و نظامند بر پایه ارزش‌ها و آرمان‌ها نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی فعالیت نمایند. با عنایت به موارد فوق، هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی راهبردی دیپلماسی علم و فناوری کشور بر اساس گفتمان ولایت فقیه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری می‌باشد و پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که الگوی راهبردی (دکترین، اهداف و سیاست‌ها) دیپلماسی علم و فناوری کشور بر اساس گفتمان ولایت فقیه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری چیست؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش الگو

الگو عبارت است از کوشش برای ساده‌تر کردن و آسان‌تر فهماندن، واقعیت از طریق تنظیم عناصر و وارد کردن نظمی در آن‌ها، مثلاً می‌توان طرحی منطقی روابطی را که بین برخی از عناصر یک سیستم وجود دارد، به شکل یک پیکره درآورد (سورین، ۱۳۸۶: ۶۶).

الگوی راهبردی

واژه الگو در معانی متعددی به‌کار رفته است. در تعریفی ساده از الگو یا مدل می‌توان گفت: نمایش نظری و ساده شده‌ای از جهان واقعی است (تانکاردو سورین، ۱۳۸۶: ۶۵). روشه بر آن است که مدل، طرح و نمونه‌ای است که از آن‌ها الهام گرفته و پیروی می‌شود و یا نسخه‌ای از آن برداشته می‌شود (روش، ۱۳۷۹: ۲۴۶). در تعریفی دیگر مدل به مجموعه‌ای مادی، ریاضی یا منطقی اطلاق می‌شود که ساخت‌های اساسی یک واقعیت را می‌رساند و در سطح خود، قادر به تبیین آن و ارائه کارکردهایش است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۴۶).

الگوها از ویژگی‌های مختلفی برخوردار هستند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) جنبه مفهومی: الگو از مفاهیمی تشکیل شده است که در گزاره‌های نظر به‌کار می‌رود و مستقیم یا غیرمستقیم کانونی برای بررسی‌های تجربی به‌شمار می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، عنصر مفهومی یک الگو به محقق نشان می‌دهد که واقعیت از چه متغیرهایی تشکیل شده است.

ب) عنصر نظری یا تئوریک الگو: از آنجا که نظریه در علوم اجتماعی به اشکال گوناگون به کار برده می‌شود، بنابراین لازم است منظور خود را از آن بیان کنیم. نظریه عبارت است از مجموعه‌ای از سازه‌ها، مفاهیم و قضایای مرتبط با هم که از طریق تشخیص روابط بین متغیرها و به منظور پیش‌بینی و تبیین پدیده‌ها، یک نظر و ایده نظام‌مند در باره این پدیده‌ها ارائه می‌دهد (هومن، ۱۳۶۶:۹).

پ) الگو و سازماندهی اطلاعات: الگوها علاوه بر ایجاد ضوابطی در انتخاب اطلاعات، می‌تواند کم‌وبیش چارچوبی را برای سازماندهی اطلاعات فراهم آورند. تا آنجا که طبقه‌بندی‌های اطلاعاتی با مفاهیم الگو ارتباط منطقی داشته باشند. در اینجا روابط منطقی میان عناصر تشکیل‌دهنده الگو باید به‌طور دقیق مشخص شود. الگو را می‌توان متناسب با سطح موردنظر و هدفی که دنبال می‌شود تعریف نمود.

چهار سطح الگو به شرح زیر تعریف شده است:

سطح یک: الگو به‌عنوان تمثیل ساده شده پدیده‌های طبیعی است، در این سطح برای تجزیه و تحلیل روابط علت و معلولی اکثر پدیده‌های طبیعی از الگوسازی استفاده می‌شود.

سطح دو: الگو به‌عنوان نظام نظری روابط به‌هم پیوسته‌ای است که برای تشریح پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، سازمانی و اقتصادی به کار می‌رود و می‌توان با تنظیم و ارائه چنین الگوهایی با محیط پیرامونی تعامل برقرار کرد.

سطح سوم: به‌عنوان ابزار تجزیه پدیده‌های جهان است که می‌تواند تعدادی از با اهمیت‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده و علل پدید آورنده طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی، اقتصادی و صنعتی را شناسایی، تفکیک و طبقه‌بندی کند و برای تدوین و عرضه سیاست‌ها به تعمیم شناخت حاصل بپردازد. با این سیاست می‌توان نسبت به تصحیح کاستی‌های فنی اقدام کرد و مانع از بروز نواقص و عارضه‌های منفی شد.

سطح چهارم: به‌عنوان مجموعه مفروضی که به‌طور منطقی و مفهومی به استنباط نتیجه یا مجموعه نتایجی منجر می‌شود. در این سطح یک‌سری تعاریف موضوعی در به‌دست آوردن نتایج از مفروض نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (حمیدی‌زاده، ۱۳۷۹:۳).

دکترین

دکترین مجموعه‌ای از اصول و قواعد کلی و نسبتاً پایدار که هادی و راهنمای یک فرد، سازمان یا جامعه در اتخاذ سیاست‌ها، اهداف و راهبردها و انجام برنامه‌ها، رفتارها و اقدامات است (ذوالقدر، ۱۳۸۷: ۸).

اهداف

اهداف نقطه مطلوب در آینده است که تمرکز کلیه توانایی‌ها، مقدرات و تلاش‌ها به سمت دستیابی به آن‌هاست. به عبارت دیگر، نقطه‌ای که کوشش‌ها معطوف رسیدن به آن‌ها است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۶۷۰).

سیاست‌ها

مقصود از سیاست رهنمودها، روش‌ها، رویه‌ها، مقررات و شیوه‌هایی از مدیریت خاص است که برای حمایت و تقویت کارها در نظر گرفته می‌شود تا سازمان بتواند به هدف‌های تعیین شده دست یابد و ابزاری هستند که به وسیله آن‌ها استراتژی به اجرا در می‌آید (دیوید، ۱۳۸۲: ۴۳۳).

گفتمان (آموزه‌های) ولایت فقیه

گفتمان غالب جمهوری اسلامی ایران است که بر پایه اندیشه‌ها، آراء، نظرات، رهنمودها و تدابیر حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) شکل گرفته است و ریشه در آموزه‌های دینی و اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دارد و بر اساس اصل پیشرفته ولایت فقیه در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور کشور در حوزه دیپلماسی علم و فناوری برای مسئولان و کارگزاران نظام هدایت‌گر بوده و تصمیم‌ها و انجام فعالیت‌ها را در همه سطوح، هم‌سو، هماهنگ و هم‌افزا می‌نماید.

دیپلماسی و دیپلماسی رسمی

دیپلماسی هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از شیوه‌های مسالمت‌آمیز تعریف می‌شود. همچنین می‌توان دیپلماسی را دانش ارتباط میان سیاست‌مداران و سران کشورهای جهان دانست (طلوعی، ۱۳۸۵: ۴۱۷). دیپلماسی فعالیتی است که افراد از همان زمانی که ارتباطات پا به عرصه وجود نهاد به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه درگیر آن بوده‌اند. پس از برقراری تماس میان گروه‌های اجتماعی اولیه، تفکر دیپلماتیک بر حفظ روابط در

جهان جمعی و احتمالاً درگیر منازعه متمرکز بوده است (شارپ، ۲۰۰۹: ۱۰). هالستی معتقد است از آنجا که نمی‌توان یک تاریخ مشخص برای شکل‌گیری دیپلماسی معین نمود، مجموعه تمهیدات اندیشیده شده برای جلوگیری از جنگ و یا اعمال قدرت بر سایر بازیگران، تا زمان تأسیس (ملت - دولت‌ها) را، می‌توان عصر دیپلماسی سنتی نام نهاد. در این دوره آموزه‌های متفاوت بسیاری در ذیل دیپلماسی قابل‌ذکر بوده که از سیاست تا جنگ را شامل می‌شود (هالستی ۱۳۸۳: ۹۰-۴۶). به سیاستمداری که در کار دیپلماسی است دیپلمات می‌گویند و کاری را که به دیپلماسی وابسته است دیپلماتیک می‌خوانند. اقناع مهم‌ترین ابزار و دستاورد دیپلماسی است. پیشنهاد پاداش و تهدید به مجازات نیز در بین ابزارهای دیپلماسی هستند. این پیشنهاد می‌تواند مستقیم و از راه کارگزاران سیاست خارجی و یا غیرمستقیم از راه رسانه‌ها و واسطه‌ها انجام پذیرد. دیپلماسی وسیله‌ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن، به جای جنگ، از راه توافق به هدف‌های خود می‌رسد و بر اساس این تعریف آغاز جنگ، شکست دیپلماسی است، ولی گروهی بر این عقیده‌اند که دیپلماسی در دوران جنگ و پس از آن نیز می‌تواند دوام داشته باشد (هادیان، ۱۳۸۸: ۸۸). دیپلماسی در عرصه روابط بین‌الملل، حلقه اتصال کشورها به یکدیگر است و روابط میان کشورها را هدایت کرده و برقراری ارتباط میان دولت‌ها را تسهیل می‌کند. دیپلماسی دارای کاربردهایی است که در مدیریت بحران‌ها، حل مشکلات میان کشورها، تسهیل ارتباطات و مذاکرات ویژه و مدیریت روابط عادی کاربرد دارد و در برقراری حداکثر توافقات میان کشورها می‌کوشد. به بیان دیگر هدف دیپلماسی رسمی (که سعی در برقراری روابط میان دولت‌ها دارد) نزدیکی ملل به یکدیگر و برقراری صلح و آرامش بین‌المللی است. دیپلماسی درصدد است تا ضمن ایجاد ارتباط دوستانه میان کشورها، تمام امکانات مادی و معنوی آن‌ها را در تداوم و غنی‌تر ساختن این روابط فراهم آورد (ستوده، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

دیپلماسی عمومی

تعاریف و تعابیر متفاوت و مختلفی از دیپلماسی عمومی ارائه می‌شود که بعضی از ابعاد و وجوه آن را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند. بعضی دیپلماسی عمومی را نوعی تبلیغات تعریف می‌کنند که دیپلمات‌ها و سیاست‌مداران برای تأثیرگذاری و شکل‌دهی به افکار عمومی خارجی صورت می‌دهند. برخی دیگر، دیپلماسی عمومی را متفاوت و متمایز از تبلیغات و جنگ اطلاعاتی می‌دانند؛ چون در جنگ تبلیغاتی و اطلاعاتی بیشتر بر سلطه بر جریان اطلاعات و ارتباطات تأکید می‌گردد، اما در دیپلماسی عمومی بیشتر بر ایجاد یک فضای گفت‌وگو دموکراتیک هابرماسی تأکید می‌شود که

هدف آن یافتن برداشت‌ها و ارزش‌های مشترک از طریق گفتگو می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۰۷-۲۰۶).

دیپلماسی عمومی نوین

دیپلماسی عمومی نوین عبارت است از روشی نو برای تأثیرگذاری بر هویت، گفتمان‌ها و کنش‌های بازیگران قلمرو عمومی جهانی و شکل‌دهی محیط مناسب برای موفقیت دستگاه دیپلماتیک با کمک شبکه‌ها و رسانه‌های جدید جهانی است. در واقع این دیپلماسی ترکیبی از تحولات فناوری، ایده‌های جدید، توانایی‌های شبکه‌های بازیگران غیردولتی و روابط پویا با جامعه مدنی جهانی است و مخاطب آن علاوه بر دولت‌ها، بازیگران قلمرو عمومی داخلی و جهانی می‌باشند. دولت‌ها در آن نقش هدایت‌کننده و نظارتی دارند و کاربست آن باعث افزایش قدرت نرم یک کشور و توسعه نفوذ آن در عرصه جهانی می‌شود. از دیدگاه ریچارد برت و الین رایبسنون دیپلماسی عمومی نوین عبارت است از آگاهی‌بخشی و توسعه نفوذ بر مردم کشورهای خارجی جهت ارتقاء منافع ملی از طریق گفتگو با آن‌ها و توسعه روابط بین نهادهای دولتی و غیردولتی با هم‌تایان خارجی خود می‌باشد و هدف آن هم داخل و هم خارج از کشور است. کیشان رانا نیز دیپلماسی عمومی نوین را تلاش دولت‌ها و شرکای آنان جهت اقناع افکار عمومی داخلی و خارجی و همچنین تلاش برای ارائه تصویری مناسب از سیاست‌ها و اهداف یک کشور و توسعه نفوذ آن از طریق عوامل فرهنگی، تبلیغاتی، آموزشی و غیره دانسته است. جوزف باتورا مدعی است که توسعه مفهوم دیپلماسی عمومی به بازیگران غیردولتی با توجه به منافع مختلفی و گاهی متضاد آن‌ها با سیاست‌ها و اهداف دولتی باعث اخلال در دیپلماسی عمومی یک کشور و لطمه به تصویر آن در عرصه جهانی می‌شود (وحیدی، ۱۳۸۹: ۲۰۱). شاخص‌ترین تفاوت میان دیپلماسی عمومی سنتی و دیپلماسی عمومی نوین در رویکرد ارتباطی آن‌ها نهفته است، به این معنا که دیپلماسی عمومی سنتی، سلسله‌مراتبی و توده‌محور است، درحالی‌که دیپلماسی عمومی نوین شبکه‌محور است. مدل سلسله‌مراتبی که عمدتاً طی جنگ سرد توسط ایالات متحده آمریکا توسعه یافت به لحاظ مفهومی به تبلیغات نزدیک‌تر بوده و از دیپلماسی عمومی استراتژیک جهت انتقال جریان‌های اطلاعات بالا به پایین به مخاطبان هدف استفاده می‌کند. بنابراین دیپلماسی عمومی سنتی بر پایه یک فرایند دو مرحله‌ای استوار است، یعنی با تأثیرگذاری بر افکار عمومی خارجی که به نوبه خود بر سیاست خارجی کشورها تأثیر خواهد گذارد، به اهداف خود نائل می‌آید. از این رو، این نوع دیپلماسی از یک مدل ارتباطی حمایت می‌کند که از طریق انتقال اطلاعات دستچین شده

به‌طور تهاجمی در پی ترغیب است. با این حال این مدل حکومت‌ها را نسبت به نتایج کار خود پاسخ‌گو می‌دارد. از طرف دیگر، مدل شبکه‌ای واکنشی است نسبت به تغییر در محیط بین‌المللی که صفت مشخصه آن تنوع فرهنگی، ظهور کنشگران جدید و پیدایش رسانه‌های تعاملی است (موسوی، ۱۳۹۴: ۷۵). سرعت تغییر و تحولات در جهان جهانی‌شده کنونی به حدی است که اخیراً حتی دیپلماسی عمومی در معرض دگرگونی‌های قابل‌توجهی از حیث الگوی اجرایی قرار گرفته تا جایی که الگوی سنتی پیشین کم‌کم کارآمدی خود را از دست داده و الگویی نوین سازگار با اقتضائات جدید محیط جهانی جایگزین آن شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت گذار از تصویرمحوری بر مبنای مدل ارتباط نامتقارن یک‌سویه به گفتگومحوری بر مبنای مدل ارتباط متقارن دوسویه، گذار از چارچوب اطلاعاتی که ارتباطات را به‌مثابه یک فرایند خطی انتقال اطلاعات با هدف اقناع یا کنترل می‌پنداشت. به چارچوب رابطه‌ایی که ارتباطات را به‌مثابه فرایند اجتماعی ایجاد روابط و ترویج هماهنگی می‌نگرد و گذار از تک‌گویی (مونولوگ) به گفتگو (دیالوگ) در فرایند اعمال نفوذ بر مخاطبان خارجی، عناصر اساسی تحول الگوی دیپلماسی عمومی محسوب می‌شوند. فهم دقیق ماهیت این تحول و چرایی وقوع آن هم می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر ارتقاء ضریب موفقیت راهبرد دیپلماسی عمومی کشورها در شرایط کنونی محیط جهانی داشته است. (هادیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶). در الگوی نوین دیپلماسی عمومی با توسل به ابتکارهای رابطه‌ای تلاش می‌شود تا ابتدا اشتراکات یا منافع متقابل عامه مردم و سپس شیوه‌های پیوند دادن آن‌ها کشف و شناسایی گردد. با این حساب دیپلماسی عمومی نوین عبارت است از برقراری روابط تعاملی با جوامع خارجی به‌منظور یافتن حوزه‌های ایجاد آرمان مشترک که نقطه عزیمت آن فهم نیازها و فرهنگ مردمان جوامع است (همان: ۴۸). بر این اساس، امروزه شاهد رونمایی نسخه نوین و روزآمدی از دیپلماسی عمومی هستیم که با عناوینی مانند دیپلماسی عمومی گفتگومحور، دیپلماسی عمومی فرهنگ‌محور، دیپلماسی عمومی شبکه‌محور و دیپلماسی چندسهم‌داری (به دلیل کارگزاری کنشگران چندگانه دولتی و غیردولتی) شناخته می‌شود (همان: ۵۰). دیپلماسی علم و فناوری به‌عنوان یکی از اقسام دیپلماسی‌های نوین در عرصه بین‌المللی، در کنار گونه‌هایی چون دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی انرژی و دیپلماسی عمومی مطرح است، قدمت این دیپلماسی به دوران پس از جنگ جهانی دوم (جنگ سرد) باز می‌گردد و به‌معنای استفاده از علم و فناوری و ظرفیت‌ها و دستاوردهای آن در عرصه روابط با دیگر کشورها و ملت‌ها به‌عنوان راه و روشی برای

برقراری ارتباطات جدید تقویت روابط میان دولت‌ها، به‌وجود آوردن قدرت نرم برای کشورها و تأمین منافع ملی آن‌ها است (بنیادی‌نائینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

دیپلماسی علم و فناوری

دیپلماسی به‌عنوان شیوه‌ای مسالمت‌آمیز، کم‌هزینه و در عین حال مؤثر، نقش مهمی در پیشبرد سیاست خارجی و تأمین منافع ملی کشورها دارد. همراه با دگرگونی‌های بین‌المللی و تحول در سیاست داخلی کشورها، دیپلماسی نیز در طول تاریخ دچار تحولات عمده‌ای شده و اشکال متنوعی به خود گرفته است. در عصر وابستگی‌های متقابل جهانی و تغییر جهت قدرت از «قدرت سخت‌افزارانه» به «قدرت نرم‌افزارانه» اشکال نوینی از دیپلماسی پدید آمده است که به جای اتکاء به ابزارهای قدرت سخت، از ابزارهای قدرت نرم استفاده می‌نماید. دستاوردهای علمی و فناوری از جمله چنین ابزارهایی است که جدیداً مورد توجه سیاست‌مداران کشورهای مختلف قرار گرفته است (داودی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). دیپلماسی علم و فناوری از جمله مفاهیم نوپایی است که با پیشرفت علم و فناوری در همه حوزه‌ها به‌خصوص در حوزه‌های اثرگذار بر مناسبات سیاسی دولت‌ها و همچنین نقش پررنگ علم و فناوری در حل چالش‌های جهانی مرتبط با افزایش جمعیت، محیط‌زیست، غذا انرژی، منابع و فقر که با توجه به روند جهانی شدن دیگر مشکل یک کشور به تنهایی نبوده و نیازمند همکاری‌های بین‌المللی می‌باشند، مورد توجه قرار گرفته است. دیپلماسی علم فرایندی است که در آن کشورها پیشرفت‌ها و علایقشان را که در زمینه‌های علمی بین‌المللی با استفاده از روش‌های علمی کسب کرده‌اند، نشان می‌دهند. دیپلماسی علم و فناوری، در صورتی که از دیپلماسی برای مواجهه با چالش‌های جهانی، تقویت همکاری‌ها بین کشورها و افزایش نفوذ یک کشور بر کشور دیگر استفاده شود، از آن جهت که می‌تواند شهرت و تصویر یک کشور را بهبود بخشد می‌تواند عامل مهمی برای تقویت قدرت نرم یک کشور باشد (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). سانر معتقد است دیپلماسی علم استفاده از مشارکت‌های علمی میان دولت‌ها است تا مسائل مشترک را مورد توجه قرار داده و همکاری‌های بین‌المللی سازنده را ایجاد نماید (سانر، ۲۰۱۵). نینا فدروف، دیپلماسی علم و فناوری را این‌گونه تعریف می‌کند: استفاده از تعاملات علمی میان ملت‌ها برای توجه به چالش‌ها و معضلاتی که بشریت در قرن حاضر با آن‌ها روبرو است و برای ایجاد همکاری‌های بین‌المللی ساختارمند مبتنی بر علم (رویال سوسایتی،

۲۰۱۰^۱. به بیان دیگر، تعاملات علم و فناوری میان یک کشور با دیگر بازیگران بین‌المللی که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد و یا روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز تعاملات علم و فناوری گردد، دیپلماسی علم و فناوری گویند (براتی، ۱۳۹۱).

در تعریفی دیگر، علم و فناوری به‌عنوان ابزاری در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی و منافع ملی کشورها در چارچوب دیپلماسی عمل می‌نماید. در این عرصه دو عنصر علم و فناوری به‌صورت کاملاً بهم وابسته و به‌عنوان دو جزئی از یک کل ایفای نقش می‌کند و از آنجا که علم و فناوری زنجیره به شدت به‌هم پیوسته و در امتداد هم هستند، در طراحی‌های و راهبردهای داخلی و ارتباطات بین‌المللی در کنار هم مطرح می‌شوند. بدیهی است که در عرصه میدانی و دیپلماسی، جذابیت علم و یا فناوری برای طرفین بستگی به علاقه و نیاز به هریک از این عناصر دارد، ممکن است تعاملات صرفاً با تکیه بر موضوعات علمی و پژوهشی شکل بگیرد و یا اینکه توجه به فناوری خاص رویکرد غالب باشد و یا ترکیبی از علم و فناوری در بستر دیپلماسی دنبال شود؛ البته طبیعتاً در نحوه سازوکارها، برای اجرایی شدن توافقات بین طرفین با توجه به رویکردهای غالب تفاوت‌هایی وجود خواهد داشت که این موارد در عرصه مذاکرات و دیپلماسی و منافع که طرف‌های مقابل به دنبال تحقق آن هستند تعیین می‌شود.

قدرت نرم در دیپلماسی عمومی نوین و دیپلماسی علم و فناوری

روابط فرهنگی در قیاس با تبلیغات و برجسته سازی به روندهای اخیر در دیپلماسی عمومی نوین، نزدیک تر است. به همان اندازه که دیپلماسی عمومی، نوین است، تأکید بر رفتار و برخورد با مخاطبان خارجی بیش از فروختن پیام‌ها و تأکید بر متقابل بودن و پایه گذاری کردن روابط پایدار بجای مبارزات ناشی از سیاست و تأکید بر داشتن خط سیر طولانی به جای نیازهای کوتاه‌مدت و تأکید بر تسخیر قلب‌ها و اذهان و اعتمادسازی نیز اهمیت و اولویت می‌یابد. در واقع نوین بودن اینگونه دیپلماسی بر تأکیدات فوق ناظر است (میلسن، ۱۳۸۹: ۷۰). تبادل فرهنگی فقط در هنر و فرهنگ نیست بلکه به تفکر، پژوهش، ژورنالیسم و گفتمان ملی یک کشور هم مربوط می‌شود. در این دیدگاه حوزه‌های سنتی تبادل فرهنگی بخشی از یک نوع جدید ارتباط بین‌المللی هستند که رشد دیپلماسی عمومی واکنشی در برابر ارتباط نزدیک میان فرهنگ، مطبوعات و فعالیت‌های

اطلاعات به مثابه واقعیت‌های نوین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (همان: ۷۱). اگرچه دیپلماسی عمومی نوین ساختاری مشارکتی و شبکه‌ای دارد، اما شواهد نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی ضمن حفظ ساختار شبکه‌ای، دیپلماسی را به صورت یک‌سویه و در ساختاری عمودی و سلسله‌مراتبی در خدمت تداوم اهداف استعماری خود قرار می‌دهند. استعمار جدید سیاست‌های عمدی کشورهای صنعتی برای حفظ سلطه آن‌ها می‌باشد، چهره نوین استعمار در بسیاری از جنبه‌ها از سلف خود خطرناک‌تر است، زیرا یک استقلال‌ظاهری فریبنده در آن وجود دارد درحالی‌که سیاست‌ها واقعاً از خارج هدایت می‌شوند. آموزش‌های بین‌المللی به‌عنوان رویکردی جدید در دیپلماسی عمومی کشورها می‌تواند به‌مثابه یک عنصر کلیدی از ساختار استعمار جدید به حفظ و تا حدی گسترش و تداوم ارتباطات استعماری کمک کند. یکی از ابزارهای آشکار این سیاست، آموزش زبان است. استفاده و ارجحیت زبانی که معمولاً زبان غالب است بر زبان دیگر (غیرغالب) در یک برنامه مشترک لزوماً نشان‌دهنده مشارکت نامتقارن است (پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۰۴۶).

پرسش این سؤال که چرا و چگونه آموزش‌های بین‌المللی به‌عنوان یک ابزار دیپلماسی عمومی می‌تواند عامل قدرت نرم باشد، شایسته توجه است. بحث‌های بین‌المللی فعلی درخصوص قدرت نرم از این تأکید ژوزف نای سرچشمه می‌گیرد: جذابیت یک دولت از طریق هویت، ارزش‌ها و فرهنگ شکل می‌گیرد که اساس ساختار قدرت نرم هستند. قدرت نرم به‌وسیله جوزف نای به‌معنی نفوذ و جذابیتی است که یک ملت به دست می‌آورد تا دیگران را به سمت فرهنگ و ایده‌های خود بکشاند (همان: ۱۰۳۵). جوزف نای به سه بُعد دیپلماسی عمومی اشاره می‌کند که دولت‌ها برای انتقال پیام از آن‌ها استفاده می‌کنند و برنامه‌های آموزشی و تبادل علمی و بورسیه‌های تحصیلی به‌عنوان بعد سوم و موسوم به توسعه روابط بلندمدت در دیپلماسی عمومی می‌باشد (نای، ۲۰۰۴: ۲۲)'. کریستوفر روز، معاون دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه آمریکا، در کتاب ستون‌های دیپلماسی عمومی معتقد است: ستون‌هایی دیپلماسی عمومی تبادل فرهنگی و گفتگو است. آمریکا باید از طریق تعهد جدی به دیالوگ‌هایی مانند تبادل‌های فرهنگی و علمی اطمینان حاصل کند که تنوع فرهنگی و اجتماعی جامعه آمریکا به طریق بهتری به خارجی‌ها معرفی شود و بنیادهای اعتماد و درک متقابل را در این راستا بنیان نهد. به عقیده فین هلنا، دیپلمات آمریکایی، واشنگتن باید به خاطر داشته باشد که تصاحب دل‌ها و مغزها به اندازه پیروزی در نبرد با افراطیون

مهم و به‌عنوان دیپلماسی فرهنگی برای امنیت ملی آمریکا حیاتی است. او معتقد است که دولت آمریکا باید در ساخت دیپلماسی فرهنگی جدید تجربه دوران جنگ سرد را به خاطر داشته باشد، وقتی که نسل جوان در کشورهای درحال توسعه به دنبال پناهگاهی برای فرار از کمونیسم بودند، آمریکا توانست کمپین ایدئولوژیک موفق و برنامه‌ریزی شده‌ای را برای پاسخگویی به این گرایش ارائه دهد. هلنا عقیده دارد که آمریکا صرفاً با نیروی نظامی و یا دیپلماسی سنتی در جنگ علیه تروریسم پیروز نخواهد شد، بلکه سیاست‌مداران آمریکایی باید برای جوانان خارجی جایگزین‌های آنی و فوری ایدئولوژیک ارائه دهند و کمک کنند که احساس ضدآمریکایی جهانی که حالتی فزاینده دارد، محو شود (پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۰۴۲). کشورهای توسعه‌یافته به‌خصوص آمریکا سرمایه‌گذاری بسیاری در این موضوع کرده‌اند. پذیرش دانشجو از کشورهای دیگر ثمرات زیادی برای کشور میزبان دربردارد که به‌راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. ویژگی مهم این عمل زمان طولانی ارتباط پیوسته است. یک فرد که غالباً از کشورهای جهان سوم وقتی به‌عنوان دانشجو در کشور توسعه‌یافته میزبان پذیرش می‌گردد، دوره‌ای نسبتاً طولانی چیزی در حدود ۳ تا ۵ سال در آن کشور زندگی می‌نماید. زندگی در آن کشور در این مدت زمان سبب ایجاد هم‌سویی ارزشی فرد با ارزش‌های کشور میزبان می‌شود. هم‌گرایی فرهنگی که میان فرد و کشور میزبان رخ می‌دهد، در بلندمدت می‌تواند از طرف کشور میزبان مورد استفاده قرار بگیرد. نمونه‌ای که در قبل آمد حضور انور سادات در دوره‌های آموزشی آمریکا گویای این مسئله می‌باشد. در اواخر دهه سی میلادی، دولت مردان روزولت بر این عقیده بودند که امنیت ملی آمریکا بر این امر متکی است که بتواند با مردم دیگرکشورها به خوبی صحبت کند (نای، ۲۰۰۸: ۱۰۲). برای نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته مانند کانادا، آمریکا، و انگلیس جذب و نگهداری نخبگان جهان از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است. در این رابطه فهم و برداشت نخست‌وزیر سابق انگلیس، تونی بلر (۲۰۰۶) از سیاست‌ها و فعالیت‌های آموزش عالی بین‌المللی بریتانیا نشان‌دهنده ارزش و اهمیت سیاسی و اجتماعی بین‌المللی شدن دانشگاه‌های بریتانیاست و وی دانشگاه‌های بریتانیا را به جذب دانشجویان نخبه و سرمایه‌های انسانی ماهر از کشورهای درحال توسعه تشویق می‌کرد. به عقیده بلر، آموزش عالی بین‌المللی و جذب و آموزش نخبگان علمی کشورهای درحال توسعه، علاوه بر آثار مثبت اقتصادی، به گسترش سرمایه انسانی و در نتیجه هوشمندتر شدن جامعه و فرهنگ عمومی بریتانیا منجر می‌شود (خورسندی، ۱۳۹۵: ۶۵). تفاوت‌ها و تمایزات مهمی بین کشورهای بزرگ و کوچک، توسعه‌یافته و درحال توسعه، کشورهایی با تأثیر راهبردی بالا و صنعتی و

کشورهایی که فاقد این ویژگی‌ها هستند، وجود دارد. یکی از نقاط بسیار مهم و اساسی که به شدت در این موضوع مشخص و برجسته می‌باشد، نوآوری و ابتکار است. از آنجائی که نوآوری مبتنی بر رشد اقتصادی بخش عمده استراتژی‌های رشد اقتصادی بسیاری از کشورها می‌باشد، نقش علم در آن مجموعه بسیار روشن و مبرهن است. روشن است که کشورها می‌خواهند تصویر خودشان را به عنوان سرچشمه نوآوری انتشار دهند که این روند یکی از الزامات قدرت نرم برای کشورها می‌باشد. موفقیت در این حوزه برای کشورها زوایای جدیدی را برای حضور پررنگ‌تر در عرصه‌های بین‌المللی باز می‌نماید (گلاکمن، ۲۰۱۴: ۳).^۱

رویکردهای دیپلماسی علم و فناوری

اندیشمندان مختلف از جمله لانگنهوف سه رویکرد (دیپلماسی برای علم، علم برای دیپلماسی، علم در دیپلماسی) را برای دیپلماسی علم و فناوری بیان داشته‌اند (لانگنهوف، ۲۰۱۶: ۲).^۲

علم در دیپلماسی

ارزش‌های علمی منطقی بودن، شفاف بودن و جهانی بودن در همه دنیا یکی هستند و می‌توانند اساس حکومتی خوب را تشکیل دهند و بین ملت‌ها اعتماد بیا فزایند (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵). علم در دیپلماسی نقش دوگانه‌ای را ایفا می‌کند. در این رویکرد از دانشمندان برای حمایت از سیاست‌های خارجی استفاده می‌شود. در زمان جنگ با استفاده از بسیج نمودن منابع علمی و فناوری برای توسعه سلاح‌ها و جنگ‌افزارها استفاده می‌شود و در زمان صلح از دانش علمی برای تصمیم‌گیری‌های خارجی استفاده می‌شود. به عبارتی با استفاده از دانش و علم به بهبود اقدامات سیاست خارجی از طریق استفاده از راهکارهای علمی در توسعه و گسترش صلح استفاده می‌شود (لانگنهوف، ۲۰۱۶: ۲).

دیپلماسی برای علم

انجام فعالیت‌های دیپلماتیک، ایجاد بسترهای سیاسی لازم برای نیل به اهداف علم و فناوری است. تسهیل همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی توسط سازمان‌های مربوطه در این بعد صورت می‌گیرد. دیپلماسی برای علم به دنبال ایجاد بسترها و زیرساخت‌ها، فضا سازی‌ها و اسناد بالادستی برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در جذب و کسب علم و فناوری و عرضه آن‌ها و محصولات

فناورانه در بازارهای بین‌المللی و جهانی است که اولویت‌های علمی، تحقیقاتی و فناوری یا همکاری‌های میان دانشمندان و محققین و سازمان‌ها و مراکز را دنبال می‌کند و شاهراه انجام پروژه‌ها و همکاری‌های بین‌المللی می‌گردد. در این معنا، دیپلماسی مکانیسمی برای نیل به اهداف علمی و فناوری به‌ویژه پروژه‌ها و تحقیقات گسترده و گران‌قیمتی که نیازمند مشارکت کشورهای گوناگون است. دیپلماسی برای علم عمدتاً به دنبال تسهیل همکاری‌های علمی بین‌المللی می‌باشد. در این فرایند ابزارهای کلاسیک دیپلماسی برای حمایت از جوامع علمی و فناوری به میان می‌آید. با استفاده از ابزار دیپلماسی موافقت‌نامه‌ها و همکاری‌هایی در سطوح دولت‌ها و سازمان‌ها منعقد می‌گردد. بر این اساس، هدف از این رویکرد، بهره‌گیری از توانمندی‌های علم و فناوری کشورهای خارجی به‌منظور بالابردن ظرفیت‌های ملی کشورها تعریف می‌شود.

علم برای دیپلماسی

علم برای دیپلماسی رویکردی است که از علم به‌عنوان یک ابزار برای بهبود روابط میان دولت‌ها در زمانی که تنش میان آن‌ها وجود دارد و یا زمانی که مشکلات مشترکی گریبان‌گیر دولت‌ها است و ابزارهای سنتی دیپلماسی چاره‌گشا این مشکلات نمی‌باشد، استفاده می‌شود. با توجه به اینکه در همکاری‌های علمی نگاه غیرایدئولوژیک وجود دارد و به‌عبارتی زبان مشترک همه جوامع می‌باشد، از این رویکرد به‌عنوان ابزاری برای پیاده‌سازی اهداف سیاست خارجی استفاده می‌گردد (همان). این رویکرد که به رهیافت دیپلماسی‌محور معرفی می‌شود، تلاش می‌کند تا ابزارهای مفید حوزه علم و فناوری را در عرصه دیپلماتیک به‌کار گیرد. چنین رهیافتی به طبع بیشتر مورد علمای علوم سیاسی قرار دارد که حوزه علم و فناوری برایشان جذابیت پیدا کرده است. در چنین رهیافتی، علم و فناوری دارای ارزشی هم‌چون سایر منابع دیپلماتیک است که می‌توان از آن به‌عنوان منبع قدرت (و به‌طورویژه قدرت نرم) بهره‌گرفت (آیزاو، ۲۰۰۸).^۱

آراء و نظرات ولایت‌فقیه در باب دیپلماسی علم و فناوری

در این بخش کلیه آراء نظرات و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص دیپلماسی علم و فناوری که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با حوزه دیپلماسی علم و فناوری ارتباط موضوعی دارد، به‌صورت تمام‌شمار از نرم‌افزار حدیث ولایت و صحیفه نور مورد بررسی و استخراج گردید و سپس از روش تحلیل داده‌بنیاد با استفاده از

نرم افزار مکس. کیودا مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مربوطه احصاء گردیده است. لازم به توضیح است به دلیل محدودیت‌های موجود در این قسمت تنها بخشی از آراء و نظرات گفتمان ولایت فقیه که در باب دیپلماسی علم و فناوری احصاء شده است، ارائه گردیده و نتایج تکمیلی به صورت مشروح در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

مرجعیت و عزت علمی

مرجعیت و عزت علمی زمینه و بسترهای پیشرفت‌های علمی و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران را در عرصه‌های مختلفی فراهم می‌کند. انقلاب اسلامی ایران برای تحقق آرمان‌های خود و دستیابی به قله‌های پیشرفت و تعالی نیازمند سازوکارهای هماهنگ و متناسب با تحولات روز دنیا است. این مهم در حوزه علم و فناوری در حال شکل‌گیری است. بدیهیست برای عملی شدن امر توسعه و پیشرفت علمی کشور به عنوان پیش‌زمینه و بستر ساز برای پیشرفت در سایر حوزه‌ها و در نهایت تحقق هدف رسیدن به مرجعیت علمی، اتخاذ برنامه‌ریزی‌های راهبردی و ایجاد و ارتقاء ظرفیت‌های علمی ضرورتی انکارناپذیر خواهد بود. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار با اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۲۴ می‌فرمایند: «عرض کردیم که کشور باید به عزت علمی برسد». همچنین معظم‌له در ادامه می‌فرمایند: «هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا». این هدف دست‌یافتنی است. تولید علم می‌بایست در تار و پود جامعه نهادینه شود این روند، توسعه، رفاه و امنیت برای کشور به دنبال دارد ایجاد جذابیت کرده و باعث ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌شود. سیاست خارجی با قدرت و نفوذ بیشتری در عرصه بین‌المللی ایفای نقش می‌کند و هدف‌های ملی را محقق می‌کند.

کسب علم از بیگانگان با حفظ استقلال

عصر کنونی به درستی که عصر علم و فناوری خوانده می‌شود از رهگذر تحولات سریع فناوری، زندگی انسان طی چند دهه گذشته دچار دگرگونی فراوانی شده است. نقش علم و فناوری در جهت نوآوری و توسعه، موضوعی اجتناب‌ناپذیر است و پیشرفت و توسعه کشورها بر مبنای علم و دانش استوار است. تولید و کسب علم و فناوری از مهم‌ترین عناصر رشد، توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و سیاسی کشور به حساب می‌آید. اساساً کشورها برای ارتقای توان و

قدرت علمی خود، علاوه بر توان داخلی نیاز به ارتباطات علمی با سایر کشورها دارند. این امر در گفتمان ولایت فقیه مورد توجه قرار گرفته است که البته نکته مهم در این موضوع رسیدن به استقلال و مرجعیت علمی است که در دیپلماسی علم و فناوری تحقق آن بسیار حائز اهمیت است. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی می‌فرمایند: «شما شاید از بنده زیاد شنیده باشید، بنده هیچ مخالف کسب علم از بیگانه‌ها نیستیم؛ ابدأً. بنده بارها گفته‌ام که ما ننگمان نمی‌کند شاگردی کسی را بکنیم و یاد بگیریم؛ اما ننگمان می‌کند که خیال کنیم همیشه باید چشم‌های ما آزمندانه، آرزومندانه، با احساس حقارت نفسی، به دست دیگران، به فکر دیگران، به کار دیگران باشد. این چیز بدی است» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۰) و یا معظم‌له در دیدار با وزیر، مسئولان و جمعی از جهادگران جهاد سازندگی، خانواده‌های شهدا، گروهی از عشایر، و جمعی از بازماندگان زمین‌لرزه استان‌های گیلان و زنجان در مورخ ۱۳۷۰/۰۳/۲۸ می‌فرمایند: «ما مخالف نیستیم که از علم و تجربه کشورهای و ملت‌های دیگر استفاده کنیم؛ اما عرض ما این است که آن کسی که باید این کشور را بسازد، او ایرانی و خودی است».

وزارت خارجه محور انتقال فناوری

دیپلماسی علم و فناوری با توجه به اینکه بازیگران مخاطب آن تماماً کشورها و طرف‌های خارجی هستند، اساساً حضور و بازیگری در عرصه بین‌المللی را با پیچیدگی‌هایی هم‌چون آگاهی و شناخت از سیاست خارجی کشور و ضرورت اشرافیت بر آخرین تحولات بین‌المللی و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر همراه کرده است، دیپلماسی علم و فناوری ابزاری در سیاست خارجی است که تلفیقی از هنر و فن دیپلمات و دیپلماسی را با عنصر علم و فناوری به صورت ارتباط دوجانبه با یکدیگر عجین کرده است در این میان حضور بازیگران، بدون شناخت و آگاهی و تخصص از شرایط بین‌المللی می‌تواند منافع ملی را با مخاطره مواجه نماید. حضور دستگاه سیاست خارجی در این عرصه که بتواند با تحلیلی مناسب بستر ساز و زمینه‌ساز حضور سایر بازیگران و ذینفعان حوزه دیپلماسی علم و فناوری کشور را در محیط بین‌المللی، برای صادرات و یا انتقال فناوری فراهم نماید، از ضروریات این حوزه است. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۳ می‌فرمایند: «خب مگر ما نمی‌گوییم مثلاً فرض کنید که انتقال فلان فناوری پیشرفته از فلان کشور [انجام شود]، یا صادرات

[به فلان کشور] - که روی صادرات تکیه می‌کنیم - خب، در این زمینه‌ها وزارت خارجه بایستی محور کار باشد».

رهایی از فقر و تنگنای علمی مسلمانان

قرن‌ها پیشداری در عرصه علم و فرهنگ و فناوری نشانگر آن است که مسلمانان اکثر عمر اجتماعی خود را در قله پیشرفت بوده‌اند و دیگران در قعر عقب ماندگی می‌زیسته‌اند. در این دوران طولانی، تمدن اسلامی در زمینه علم و دانش و فناوری سرآمد است و گوی سبقت را از دیگران ربوده است. لکن در دوران معاصر به دلیل سیاست‌های استثماری کشورهای استعمارگر و همچنین حاکمان دست‌نشانده، شاهد عقب‌افتادگی کشورهای مسلمان هستیم. در گفتمان ولایت فقیه تحرک فرهنگی برای رهایی از فقر و تنگنای علمی مسلمانان از اهداف جمهوری اسلامی ایران است. در همین راستا حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) می‌فرماید: «امیدوارم ملت‌های اسلامی و ملت بزرگ ایران با یک تحرک فرهنگی گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر و تنگنای علمی درآورند» (صحیفه نور، جلد ۲۱: ۱۳۸). این هدف مسیر را برای حرکت در حوزه دیپلماسی علم و فناوری روشن و آشکار می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیشرفت‌های بزرگ علمی که در چندین ساله گذشته به دست آورده و به سرعت در این مسیر در حال حرکت است می‌تواند قطب علمی جهان اسلام باشد و در جهت توسعه علمی کشورهای مسلمان کمک کند.

فریب‌نخوردن در دیپلماسی علمی

علم و فناوری بستر مناسب و مستعدی است که ظاهری خنثی و غیرایدئولوژیک و جذاب دارد. علم زبان مشترک تمام بشریت است. دانش قدرت‌آفرین است و تولید ثروت می‌کند. در عصر حاضر، علم و فناوری به صورت مستمر در حال تولید و بازتولید در عرصه‌های مختلف است. این روند اشتیاق و عطش افراد و کشورها را برای به‌روز شدن در حوزه علم و دانش را بیشتر می‌کند. در بستر دیپلماسی علم و فناوری، تعاملات علمی بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است. این ویژگی زمینه‌ساز سوءاستفاده کشورهای دیگر از سرمایه‌های علمی و انسانی سایر کشورها خصوصاً کشورهای درحال توسعه را فراهم می‌کند؛ لذا در این عرصه، همواره تهدیدات مختلفی از جمله برای سرمایه‌ها و استعداد‌های انسانی از سوی سرویس‌های جاسوسی و ... وجود دارد. بر این اساس، بصیرت و آگاهی در دیپلماسی علم و فناوری از الزامات حضور در این عرصه می‌باشد. مقام معظم رهبری

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ در این خصوص می‌فرمایند: «اما توجه داشته باشید که طرف مقابل روی این نکته به‌خصوص توجه دارد، روی این نکته برنامه‌ریزی می‌کنند. بر روی همین نقطه «دیپلماسی علمی» برنامه‌ریزی می‌کنند و اهداف خودشان را دنبال می‌کنند. اگر با توجه، با آگاهی، با بصیرت، کار انجام بگیرد، ما کاملاً موافق هستیم». همچنین معظم‌له در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها در مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۹ می‌فرمایند: «منتها توجه بکنید در دیپلماسی علم - ارتباطات علمی، که بنده هم با آن موافقم - فریب نخوریم».

سند چشم‌انداز بیست‌ساله

سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، سند کلانی است که دورنمایی بسیار کلی از راهبردهای مدنظر را برای کشور ارائه می‌نماید. بر این اساس در این سند نمی‌توان انتظار داشت به‌صورت دقیق و جزئی به مقوله دیپلماسی علم و فناوری پرداخته شود، لکن در این میان می‌توان دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهایی که برای نظام، نزدیک به حوزه دیپلماسی علم و فناوری تعیین شده است را مشاهده نمود. عبارت‌هایی که در سند چشم‌انداز می‌توان از آن برای قراین دیپلماسی علم و فناوری برداشت نمود عبارتند از:

- الهام‌بخش، فعال و موثر در جهان اسلام ... تأثیرگذار بر هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت حکمت و مصلحت.
- دست‌یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب‌غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه).

سیاست‌های کلی علم و فناوری

در این قسمت پس از بررسی سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مواردی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به حوزه دیپلماسی علم و فناوری مرتبط بوده است احصاء شده است:

- زیربند ۲ از بخش ۱: ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

- زیربند ۵ از بخش ۱: دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ویژه.
- بند ۶ و زیربند ۱ تا ۴: گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور، با تأکید بر:
 - توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به‌ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور.
 - اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.
 - استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی حسب نیاز.
 - تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی و جذب نتایج پژوهش‌های محققان، نخبگان علمی و نوآوران سایر کشورها به‌ویژه جهان اسلام.

پیشینه‌شناسی پژوهش

بررسی ادبیات مرتبط با موضوع قابل‌دسترس نشان‌دهنده این امر است که دیپلماسی علم و فناوری با توجه به اینکه در سطح دنیا نوپا و در حال گفتمان‌سازی است، طبیعتاً ادبیات این حوزه نیز جوان و در مسیر شکل‌گیری و بلوغ قرار دارد. بر همین اساس، ادبیات پژوهشی تولید شده نیز محدود است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

احمدی (۱۳۹۱) در رساله دکتری به نقش و جایگاه دیپلماسی علم و فناوری در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخت که نتایج آن به بدین شرح می‌باشد: تسلط بر علم و فناوری به‌عنوان پیشران توسعه در جهان کنونی از مهم‌ترین شاخص‌های کسب قدرت، امنیت و اقتدار می‌باشد. دیپلماسی علم و فناوری نیز به‌عنوان چهارچوبی نوین برای ایجاد هم‌افزایی و گسترش تعامل میان بازیگران متعدد حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی از یکسو و بازیگران حوزه علم و فناوری از سوی دیگر در سال‌های اخیر پدیدار شده و در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته بکار گرفته شده است. حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر

مستثنی نبوده و توسعه و پیشرفت کشور نیز جزء به واسطه توسعه توانمندی علم و فناوری که در گرو توسعه همکاری‌های خارجی و بین‌المللی می‌باشد، محقق نخواهد شد.

مقیمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت‌عنوان «نقش نظام آموزش عالی در پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری (مورد مطالعه) دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی» به این نتیجه رسیدند که تعداد ۳ بُعد و ۳۰ مؤلفه برای پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری در کشور و ۵ عامل و ۲۱ ملاک برای ارتقای نقش نظام آموزش عالی در پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری موثر می‌باشد.

قدیمی (۱۳۹۶) در پژوهشی به کارکرد دیپلماسی علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده پرداخته است. در این پژوهش آمده است: با وجود شباهت‌ها و نتایج مشابهی که در برخی موارد دیپلماسی علم و فناوری برای دو کشور به بار آورده است، اما بر اساس چارچوب نظری قدرت نرم مهم‌ترین راه برای استفاده بهینه از این ابزار، متقاعد ساختن مخاطب از طریق جذابیت است که همین مسئله یکی از تفاوت‌های بارز کارکرد دیپلماسی علم و فناوری در ایران و آمریکا است.

داوودی (۱۳۹۳) در پژوهشی به موضوع دیپلماسی علم و فناوری ایران در افغانستان: فرصت‌ها و چالش‌ها پرداخته است که در پایان چهار پیشنهاد به شرح ذیل ارائه نموده است:

- توجه ویژه به ساختار تشکیلاتی دیپلماسی علمی و فناوری،
 - تربیت دیپلمات‌های علمی،
 - پیگیری دیپلماسی علم و فناوری در ساختار سیاست خارجی،
 - آموزش و تعمیق اطلاعات و تحلیل‌های اعضای نمایندگی‌های خارج از کشور در زمینه علم و فناوری از طریق ستاد توسعه دیپلماسی علم و فناوری
- باید یکی از ملاک‌های ارزیابی در وزارت امور خارجه و در ارتباط با کشورها، فعالیت‌ها و ظرفیت‌های علمی و فناوری نمایندگی‌ها باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر این‌که یافته‌های آن می‌تواند مورد استفاده مدیران و متولیان در حوزه دیپلماسی علم و فناوری قرار گیرد، از نوع کاربردی می‌باشد. این پژوهش دارای دو جامعه آماری اسنادی و خبرگی است: جامعه آماری اسنادی، پژوهش در کلیه بیانات و مکتوبات حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه دیپلماسی علم و فناوری،

چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام و سیاست‌های کلی «علم و فناوری»، ابلاغیه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با حوزه دیپلماسی علم و فناوری ارتباط دارد. استفاده از نظرات خبرگان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت راهبردی و دیپلماسی علم و فناوری که ویژگی‌های مشترک آنان مسئولیت در سطوح راهبردی و عملیاتی می‌باشد. به عبارتی، مسئولین سابق و یا فعلی که در حوزه دیپلماسی علم و فناوری کشور فعالیت داشته‌اند و همچنین اساتید دانشگاهی متخصص در این حوزه نیز انتخاب شده است. با توجه به تخصصی بودن موضوع پژوهش و محدود بودن جامعه آماری، از روش گروه خبرگی استفاده شده است.

نکته‌ای که بایستی به آن توجه کرد این است که در پژوهش کیفی فزونی حجم نمونه ضرورتاً روایی آن را بالا نمی‌برد و حتی می‌تواند از دقت و غنای نمونه معرف جامعه نیز بکاهد، چراکه فرصت و دقت بررسی نمونه بزرگ کمتر از نمونه کوچک است (ذوالفقاریان، ۱۳۹۰: ۲۸). همچنین به علت نوع پژوهش، فرضیه‌ایی مشخص نگردیده و برای گردآوری داده‌ها از شیوه تمام‌شمار استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده و از ابزار فیش‌برداری الکترونیکی بهره گرفته شده است. در ضمن برای استخراج گفتمان ولایت فقیه از روش ترکیبی یعنی تحلیل محتوای کیفی و نظریه مبنایی استفاده شده است و برای دقت در پژوهش، داده‌ها به کمک نرم‌افزار Maxqda^{۱۲} تحلیل و کدگذاری شده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به ارکان سه گانه (دکترین، اهداف، سیاست‌ها) دیپلماسی علم و فناوری مرتبط با عنوان پژوهش به تحلیل کیفی محتوای بیانات، پیام‌ها و مصاحبه‌های حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، چشم‌انداز و سیاست‌های کلی «علم و فناوری» ابلاغیه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به حوزه دیپلماسی علم و فناوری ارتباط دارد، پرداخته شده است.

از نظر هولیستی تحلیل محتوا به معنای تحلیل علمی پیام‌های ارتباطی است (هولستی ۱۳۸۰: ۱۳) و از منظر رفیع‌پور استفاده از مباحث تحلیل محتوا در متن به دوران بسی دور برمی‌گردد. در عصر طلایی تمدن یونان باستان، مباحث تحلیل محتوا مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است (رفیع‌پور

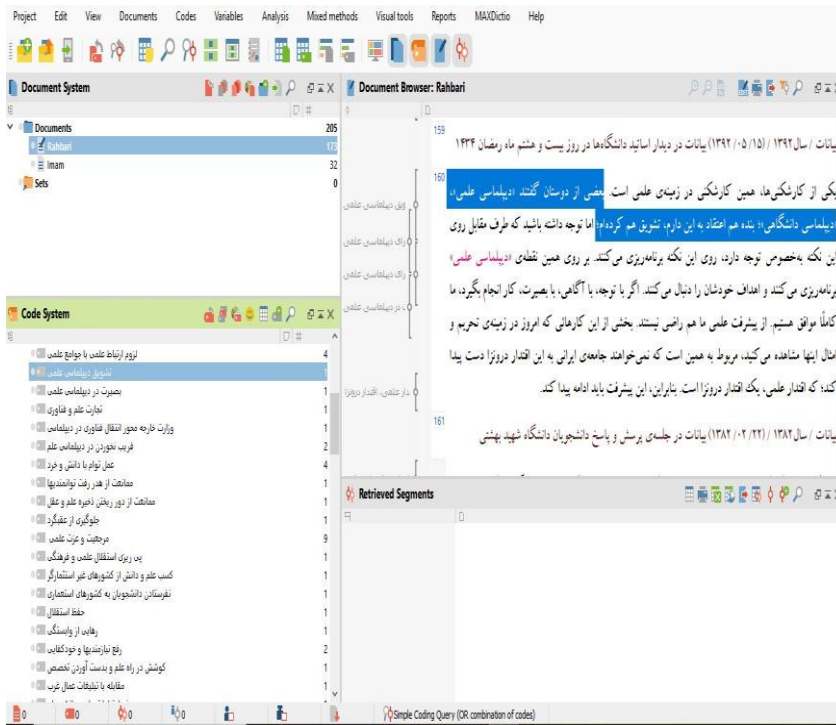
۱۳۸۲:۱). در این پژوهش با استفاده از نرم افزار Maxqda۱۲ تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته و از روش داده‌بنیاد سه مرحله کد گذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش نظریه مبنایی یا داده‌بنیاد

داده‌بنیاد، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم، به‌جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (پاول، ۱۹۹۹:۹۷). نظریه داده‌بنیاد عبارت است از «فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری‌شده، به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هر گونه فرضیه و آزمون آن هستند» (منصوریان، ۱۳۸۶:۵). در روش نظریه مبنایی، شکل‌گیری عناصر مربوطه ابتدا از طریق سوال پژوهش مطرح می‌شود و سپس در پاسخ به این سوال داده‌های لازم از طریق اسناد و مدارک مصاحبه‌ها و ... جمع‌آوری گردیده و کدگذاری می‌گردد. کدگذاری با مطالعه دقیق متن و استخراج تفسیر گوناگونی که در متن وجود دارد، شروع می‌شود. سپس پژوهشگر بخش‌هایی از متن را که حاوی واحد معنایی هستند را مشخص و برای آن کد، نام تعیین می‌کند. به گفته چارمز «کدها ابزارهای کوچکی برای نام‌گذاری، جداسازی، ترجمه و سازمان‌دهی داده‌ها هستند» (چارمز، ۲۰۰۸:۱۸۶). برای دستیابی به گفتمان ولایت‌فقیه، چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری با استفاده از روش داده‌بنیاد به تحلیل کیفی پرداخته می‌شود. بر همین اساس، ابتدا فرمایشات و مکتوبات حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که مرتبط با دیپلماسی علم و فناوری هستند از طریق نرم‌افزار صحیفه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و نرم‌افزار حدیث ولایت، استخراج و همراه با محورها و رویکردهای استخراجی از سیاست‌های کلی «علم و فناوری» چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام، ابلاغیه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با استفاده از نرم‌افزار Maxqda۱۲ مورد تحلیل واقع گرفت. بر همین اساس برای این کار به مطالعه سطر به سطر موارد استخراج شده پرداخته و سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی را انجام و در ادامه مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارکان سه‌گانه (دکترین اهداف و سیاست‌ها) براساس تعاریف ارائه شده و عملیاتی، توسط گروه خبرگی مورد بررسی، اصلاح و تأیید قرار گرفت.

کدگذاری باز

کدگذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل است که به نام‌گذاری، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی پدیده از راه تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها می‌پردازد. در ضمن کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شده و برای به‌دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور از خرد کردن و مفهوم‌پردازی، این است که به هر کدام از حوادث، رخدادها و ایده‌هایی که در داده‌ها موجود است نامی داده شود. این نام، برچسب یا نشانه‌ای است که به‌جای حادثه، رخداد یا ایده می‌نشیند. کدگذاری باز، فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را، به‌وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع‌آوری‌شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع یا یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶). در مرحله بعد مفاهیم بر اساس شباهت‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود.



شکل ۱. کدگذاری باز

کدگذاری محوری

پس از کدگذاری باز، هر مقوله را با توجه به شرایط علی، شرایط زمینه‌ای خاص شرایط مداخله‌گر که بر کنش‌ها یا برهم کنش‌های متقابل ناشی از آن مقوله تأثیر می‌گذارد، همچنین پیامدهای کنش‌ها و برهم کنش‌های متقابل (راهبردها)، بسط و گسترش می‌دهیم. در کدگذاری محوری به دنبال ارتباط دادن خرده مقوله‌ها (شرایط علی، زمینه‌ای، راهبردها، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) به یک مقوله خواهیم بود. وظیفه پژوهش‌گر در این مرحله دسته‌بندی و مقایسه عناوین استخراج شده از داده‌ها است. یعنی در این مرحله باید به‌طور مرتب و مستمر کدها را مطابقت داده تا ارتباطی بین آن‌ها پیدا شود.

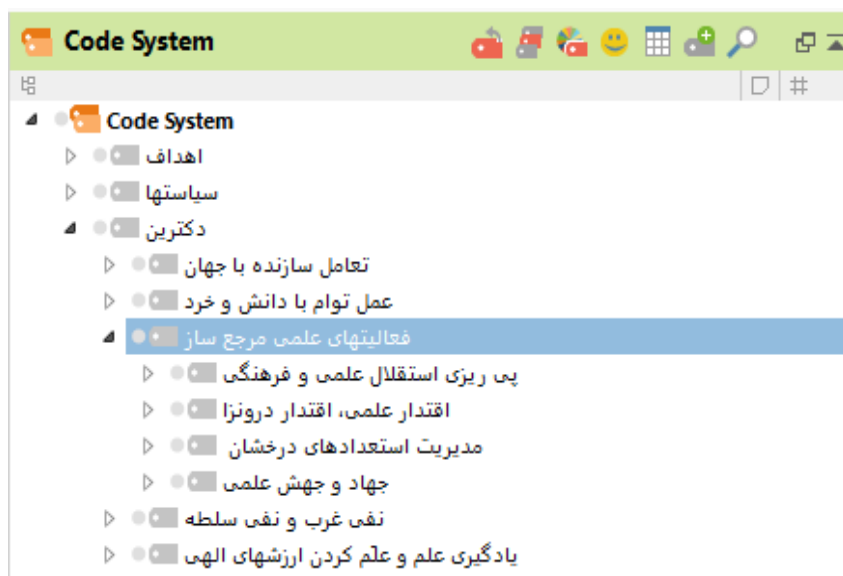
البته این کار مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است، چراکه در ابتدای ارتباط بین آن‌ها، چندان اشکار نیست؛ در واقع محقق خود را، با انبوهی از داده‌های خام روبرو می‌بیند که چندان به هم ربطی ندارند، اما به زودی پیوندهای نامرئی هویدا خواهد شد و زیبایی روش نظریه داده‌بنیاد در این مرحله نهفته است (منصوریان، ۱۳۸۶: ۳۹۰). با مقایسه مفاهیم مختلف می‌توان زمینه‌های مشترک بیشتری را میان آن‌ها کشف کرد که امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان را فراهم خواهد ساخت. پدیدآورندگان این نظریه نام این فرایند مقایسه مستمر با یکدیگر را روش مقایسه پایدار یا روش تطبیق مداوم نامیده‌اند (سلدن، ۲۰۰۶: ۱۱۹)^۱. با استفاده از فن مقایسه پایدار زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کدگذاری محوری است، امکان‌پذیر می‌گردد. حاصل این‌ها از فرایند تحقیق، شکل‌گیری (مؤلفه‌ها) است که بخشی از آن به عنوان نمونه در شکل ذیل (شکل شماره ۲) آمده است.

- پی ریزی استقلال علمی و فرهنگی
- کسب علم و دانش از کشورهای غیر استثمارگر
- نفرستادن دانشجویان به کشورهای استعماری
- حفظ استقلال
- رهایی از وابستگی
- کوشش در راه علم و بدست آوردن تخصص
- رفع احتیاجات علمی دانشجویان

شکل ۲. کدگذاری محوری

کدگذاری انتخابی

در کدگذاری انتخابی، با توجه به مفاهیم و مقوله‌های کدگذاری شده مراحل قبلی، مقوله محوری، انتخاب گردید و به شکل نظام‌مند مقوله‌های دیگر را به آن ربط داده و مقوله‌های که نیاز به بهبود و توسعه بیشتری داشتند، تکمیل گردیدند و با زیرمقوله‌ها پیوند داده شدند. در واقع پژوهشگر با کنار هم نهادن طبقه‌ها و بر اساس روابط بین آن‌ها یک تصویر انتخاب می‌کند. تمام رویه‌ها در استراتژی داده‌بنیاد به سمت تولید نظریه بر اساس داده‌های گردآوری شده هدایت می‌شوند.



شکل ۳. کدگذاری انتخابی

پس از دسته‌بندی اولیه، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های دکترین اهداف و سیاست‌های گفتمان ولایت‌فقیه، نتایج حاصله در گروه خبرگی مورد بررسی و اصلاح و تأیید قرار گرفت که نتیجه نهایی آن در جدول ذیل (جدول شماره ۱) ارائه شده است:

جدول ۱. مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های دکترین اهداف و سیاست‌های گفتمان ولایت‌فقیه

ابعاد	ردیف	اصول (مؤلفه‌ها)	زیر مؤلفه‌ها ۱	زیر مؤلفه‌ها ۲
	۱	کسب توامان علم و تقوا	علم و تربیت دینی موجب رهایی از استبداد	
			بی‌ارزش بودن تقوا بدون علم	
			بی‌ارزش بودن علم به تنهایی	

ابعاد	ردیف	اصول (مولفه ها)	زیر مولفه ها ۱ا	زیر مولفه ها ۲	
اهداف	۲	کسب علم از بیگانگان با حفظ استقلال	عدم واگذاری سربسته کارها به خارجی ها		
			استفاده از علم دیگران همراه با همت علمی		
			مذموم بودن شاگردی برای همیشه		
	۳	تحرك فرهنگي برای رهایی از فقر و تنگنای علمی	توجه به نیروی انسانی با فکر		
			تکریم عالم		
			ضرورت تشویق عالم		
	۴	تقویت اعتماد به نفس و عزت نفس با نوآوری در علم	حرکت بسوی کسب علم و دانش		
			رفع مشکلات کشور با توسعه علم		
			توزیع عادلانه علم و فناوری		
	۵	کسب مرجعیت علمی جهانی در افق ۵۰ ساله	همکاری با دانشگاه های معتبر جهان		
			همکاری با مراکز علمی و فنی معتبر		
			تبدیل کشور به قطب علم و فناوری و همچنین مؤثر در جهان اسلام		
دستیابی به علوم و فنون پیشرفته					
تبدیل ایران به ثبت مقالات علمی			دستیابی به جایگاه اول علمی در منطقه ۱۴۰۴		
توسعه فناوری های جدید و حمایت و صادرات محصولات دانش بنیان با تأکید بر فناوری های بومی در حوزه های دارای مزیت					
۶	جدی گرفتن علم و پژوهش در دانشگاه	تبدیل محیط های آموزشی به محیط علم طلبی			
		تربیت افراد گره گشا			
		قطع وابستگی علمی به غرب			

ابعاد	ردیف	اصول (مولفه ها)	زیر مولفه ها ۱	زیر مولفه ها ۲
	۷	علمی	بیان شجاعانه حرف حق در دنیا در سایه علم	
سیاست‌ها	۱	استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج از کشور	جلب مشارکت موثر متخصصان و پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی مقیم خارج	ایجاد آزمایشگاه و امکانات
	۲	تعامل علمی سازنده با جهان بر اساس سه اصل عزت، حکمت، مصلحت	انتقال فناوری به کشور	
	۳	مدیریت استعدادهای درخشان	اولویت با کشورهای اسلامی	
			حفظ نخبگان	
	۴	پیاده‌سازی دیپلماسی فعال علمی	عدم معرفی آن‌ها در رسانه‌ها	
			توازن و تعادل در ارتباط	
			ارتباط علمی با جوامع علمی	
			تشویق دیپلماسی علمی	
			بصیرت در دیپلماسی علمی	
			وزارت خارجه محور انتقال فناوری در دیپلماسی	
فریب نخوردن در دیپلماسی علم				
۱	عمل توأم با دانش و خرد	ممانعت از هدر رفت توانمندی‌ها		
		ممانعت از دور ریختن ذخیره علم و عقل		
		جلوگیری از عقبگرد		
۲		پی‌ریزی استقلال علمی و فرهنگی	کسب علم و دانش از کشورهای غیر	استثمارگر
			نفرستادن دانشجویان به کشورهای استعماری	
			حفظ استقلال	
			رهایی از وابستگی	
			کوشش در راه علم و بدست آوردن	

ابعاد	ردیف	اصول (مؤلفه ها)	زیر مؤلفه ها ۱ا	زیر مؤلفه ها ۲	
دکترین		فعالیت‌های علمی مرجع‌ساز	اقتدار علمی، اقتدار درونزا	تخصص	
				رفع احتیاجات علمی دانشجویان	
				توسعه مراکز علمی تحقیقاتی	
				تشویق مخترعین و نیروهای متعهد و متخصص	
				نهراسیدن از هیاهوی دشمن	
				پیشرفت علمی و فنی در شرایط تحریم	
	۳	نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری	توجه به برنامه ریزی طرف مقابل برای دیپلماسی علمی	جهاد و جهش علمی	مقابله با نفوذ امنیتی
					جایگزینی نفع بجای نفت در تعاملات بین‌المللی
					تفاوت علم آموزی با گرفتن فرهنگ دیگران
					علم در خدمت صلح و امنیت
					علم در خدمت عدالت
					علم در خدمت انسانیت
۴	یادگیری علم و علم کردن ارزش‌های الهی			اقتباس علمی آری ولی ترجمه محض خیر	
				ضرورت دنبال نمودن علم نافع	
				ضرورت دنبال نمودن علم نافع	

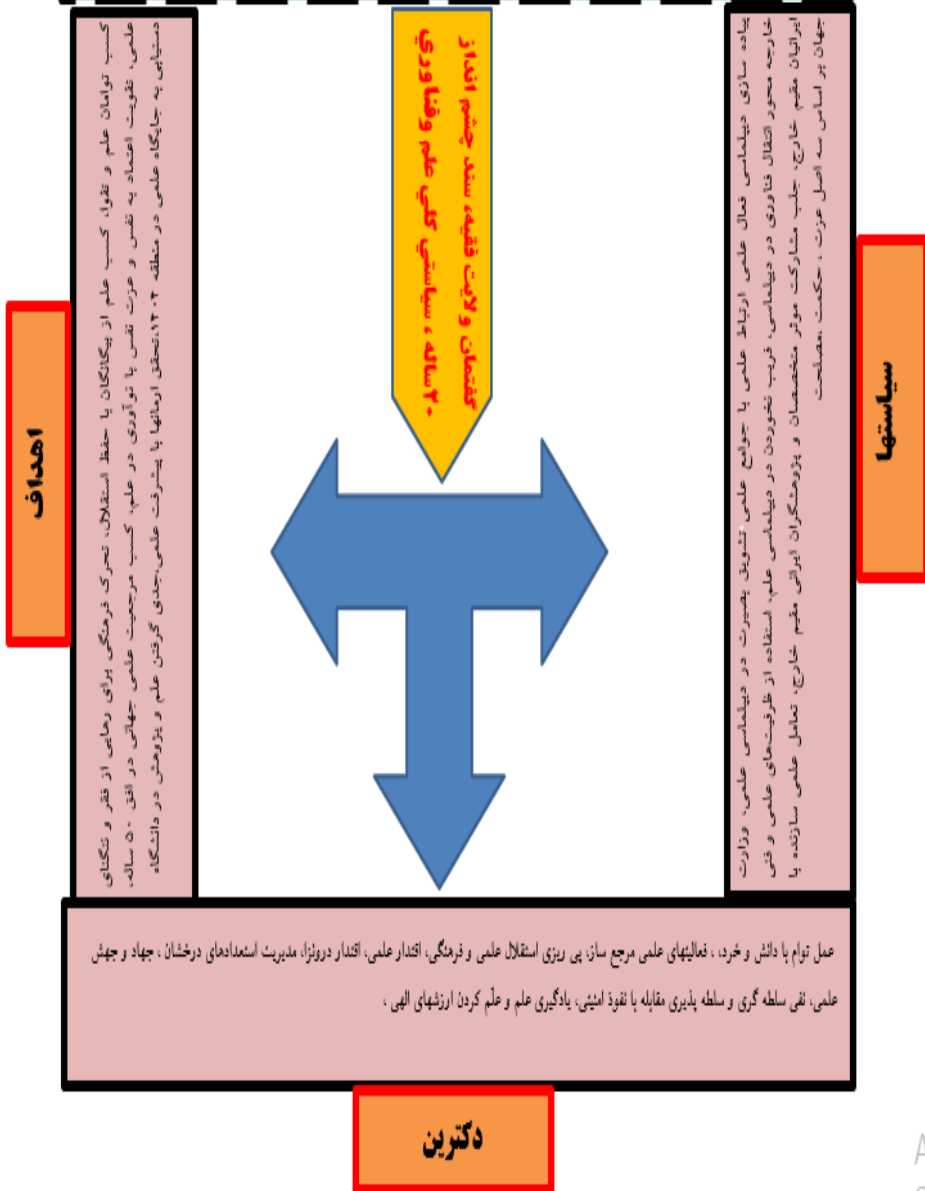
الگوی راهبردی دیپلماسی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه،

سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری

چنانچه در الگو ذیل (الگوی شماره ۴) ملاحظه می‌شود، مجموعه عملیات حوزه دیپلماسی علم و فناوری در ارکان جهت‌ساز (دکترین، اهداف، سیاست‌ها) بر اساس گفتمان

(ولایت فقیه) سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری احصاء شده است که به‌عنوان هدایت‌کننده قدرت ملی و خط‌مشی دولت‌ها، اصول و قواعد و مبانی جهت‌ساز و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، اولویت‌ها و توصیه‌هایی هستند که مبنای برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ راهبردهای اثربخش با نگاه بلندمدت در حوزه دیپلماسی علم و فناوری می‌باشد. بر این اساس، در جدول شماره ۱، ارکان سه‌گانه، مولفه و زیرمولفه‌ها به‌صورت کامل ارائه شده و در الگو ذیل (الگوی شماره ۴) خلاصه‌ای از جدول مذکور ارائه شده است:

الگوی راهبردی دیپلماسی علم و فناوری در گفتمان ولایت فقیه، سند چشم انداز بیست ساله نظام، سیاست‌های کلی علم و فناوری



فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۸

Ac
Gn

شکل ۴. الگوی راهبردی دیپلماسی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه، سند چشم انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری

نتیجه گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه گیری

پس از تحلیل کیفی و استفاده از روش نظریه مبنایی، در پاسخ به سوال اصلی پژوهش الگوی راهبردی (دکترین، اهداف، سیاست‌ها) حوزه دیپلماسی علم و فناوری کشور بر اساس گفتمان ولایت فقیه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری با توجه به تحلیل صورت گرفته و به دست آمدن مفاهیم و مطابقت مستمر کدها اولیه و سپس شکل‌گیری کدهای محوری و انتخابی، دکترین، اهداف و سیاست‌ها بعد از دسته‌بندی اولیه در گروه خبرگی اصلاح و مورد تأیید قرار گرفت که به صورت کامل در جدول شماره یک ارائه گردید و در ادامه، الگوی راهبردی دیپلماسی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی علم و فناوری در شکل شماره ۴ ارائه شد. در این الگو برای رکن اهداف به ۷ اصل یا مؤلفه و ۲۳ زیر مؤلفه به دست آمد. همچنین برای رکن سیاست‌ها به ۴ اصل یا مؤلفه و ۱۲ زیر مؤلفه به دست آمده است و در خصوص رکن دکترین نیز ۴ اصل یا مؤلفه و ۲۵ زیرمؤلفه احصاء شده است.

ب) پیشنهاد

پیشنهاد می‌گردد مسئولین حوزه دیپلماسی علم و فناوری کشور با نصب‌العین قرار دادن سه رکن دکترین، اهداف و سیاست‌های احصاء شده بر اساس موضوع پژوهش، در راستای این ارکان اقدام و به برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، پیاده‌سازی و اجراء، کنترل، نظارت و ارزیابی در حوزه دیپلماسی علم و فناوری اقدام نمایند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه). نرم‌افزار صحیفه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه).
- حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مجموعه بیانات، قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir
- بنیادی‌نائینی، علی؛ صدوق، سیدمحمود (۱۳۹۳). دیپلماسی علم، ابزار جدید مدیریت جهانی (نوآوری در روابط علمی و سیاسی)، تهران: چهارمین کنفرانس بین‌المللی و هشتمین کنفرانس ملی مدیریت فناوری.
- پرویزی، جمشید (۱۳۹۲). «نقش آموزش‌های بین‌المللی در دیپلماسی عمومی، تجربه استرالیا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۹). پویایی‌های سیستم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خورسندی، علی (۱۳۹۵). آموزش عالی بین‌المللی استراتژی‌ها و شرایط امکان، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دانائی‌فرد، حسن؛ اسلامی، آذر (۱۳۹۰). ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- داودی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). «دیپلماسی علم و فناوری ایران در افغانستان، فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۲۷ - ۱۰۳.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). دیپلماسی نوین خاورمیانه‌ای ایران: ضرورت‌ها و الزامات در دیپلماسی نوین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دیوید، فرد.آر (۱۳۹۰). مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، چاپ بیست‌ویکم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ هاجری، مهدی؛ افتخاری، حسین (۱۳۹۵). «نقش دیپلماسی علم و فناوری در بهبود چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان»، فصلنامه رشد فناوری، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۱۰ - ۱.
- ذوالفقاریان، محمدرضا؛ لطیفی، میثم (۱۳۹۰). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- ذوالقدر، محمدباقر (۱۳۸۷). تدوین راهبرد بسیج مستضعفان، تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- رضائیان، علی (۱۳۹۱). اصول مدیریت، چاپ بیست و سوم، تهران: سمت.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روشه، کی (۱۳۷۹). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ستوده‌آرانی، محمد؛ علویان، مرتضی (۱۳۹۱). «راهکارهای دیپلماسی عمومی و رسمی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی غرب»، فصلنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره ۵۸.
- سلمانی‌قهیازی، احمد (۱۳۸۸). طراحی الگوی راهبردی ارتقای بهره‌وری سازمان حفاظت اطلاعات ارتش ج.ا.ا، رساله دکتری، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی - دانشکده مدیریت راهبردی.
- سورین، ورنر؛ جیمز، تانکارد (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات جمعی، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طلوعی، محمود (۱۳۸۵). فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران: نشر علم.
- فیروزآبادی، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی مفهوم دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
- مقیمی، طلیعه؛ آراسته، حمیدرضا؛ محمدخانی، کامران (۱۳۹۵). «نقش نظام آموزش عالی در پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری (مورد مطالعه: دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی)»، فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزش، سال دوازدهم، شماره یک، صص ۵۴ - ۳۵.
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۶). گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- موسوی‌خورشیدی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴). «نقش دیپلماسی عمومی نوین در تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۶، صص ۸۵ - ۶۹.

- میرحسینی، سیدعبدالحمید؛ محمدی دوستدار، حسین (۱۳۹۴). «همکاری‌های علمی بین‌المللی در اسناد ملی علم و فناوری کشورهای منتخب»، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی ابعاد سیاسی فرهنگی، دوره دهم، شماره ۲۷، صص ۷۵ - ۴۵.
- میلسن، ژان و همکاران (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی نوین قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران: انتشارات سنا.
- وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۹). دیپلماسی در جهان در حال تحول (سازوکارها و کارکردهای نوین)، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۱۷ - ۸۵.
- هادیان، ناصر؛ سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۲). «دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۲، شماره ۶۸، صص ۶۱ - ۲۳.
- هالستی، کی.جی (۱۳۸۳). مبانی و تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- هولستی، ال.آر (۱۳۸۰). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۶۶). پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری، شناخت روش علمی، تهران: انتشارات دیبا.

ب) منابع انگلیسی

- Aizawa, M; Yakushiji, T; Honjo, T; Okumura, N; Shoyama, E; Harayama, Y (۲۰۰۸). Toward the Reinforcement of Science and Technology Diplomacy. Japans Council for Science and Technology Policy. Tokyo.
- Charmaz, K; Bryant, A (۲۰۰۸). Grounded Theory. In L. M. Given, The SAGE- Encyclopedia of Qualitative Research Methods" California: Sage Publication, pp. ۳۷۷-۳۷۴.
- Gluckman, Sir Peter (۲۰۱۴). Science and diplomacy , Speech at Science and diplomacy Meeting ,Auckland.

- Langenhove, Luk van (۲۰۱۶). Science Diplomacy: New Global Challenges, New Trend, Nanyang Technological University/ about andimproveit Available, www.rsis.edu.sg.
- Nye, J (۲۰۰۴). Soft POWER: The Means to Success in World politics . Public Affairs: New York.
- Nye, Joseph S (۲۰۰۸). "Public Diplomacy and Soft Power." The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science.
- Powell, R (۱۹۹۹). "Recent trends in research: a methodological essay", Library and Information Science Research, Vol. ۲۱ No. ۱, pp. ۹۱-۱۱۹.
- Saner. Raymond (۲۰۱۵). Science Diplomacy to support global implementation of the Sustainable Development Goals . Centre for Socio Eco – Nomic Development (CSEND), Genova.
- Science Policy Center Royal Society (۲۰۱۰). New frontiers in Science diplomacy , Navigation the changing balance of power.
- Sharp, Paul (۲۰۰۹). Diplomatic Theory of International Relations Cambridge: Cambridge University Press.

